



بیانات در دانشگاه امام حسین علیه السلام در مراسم میثاق پاسداری - 6 / خرداد / 1392

بسم الله الرحمن الرحيم

اولاً تبریک عرض میکنم به شما جوانان عزیز، ورود در عرصه‌ی پرافتخار پاسداری را؛ چه دانشجویان عزیز فارغ التحصیلی که امروز درجه گرفتند، و چه سردوشی‌بگیرانی که وارد مرحله‌ی آموزش شدند. دیدار امروز ما هم در این میدان پرافتخار با شما جوانان عزیز پاسدار، مثل همیشه دیدار شیرین و مطلوبی بود. ابتکاراتی در شیوه‌ی مدیریت این میدان و اداره‌ی برنامه‌های این میدان مشاهده شد، که بسیار خوب و قابل تحسین و تقدیر است. این دانشگاه یک تفاوت عمده‌ای دارد با همه‌ی دانشگاه‌های دیگر. علم و آموختن و رشد فکری و عقلی و پرورش شخصیت، در همه‌ی دانشگاه‌های ما و در همه‌ی مراکز آموزشی ما یک هدف عمده است؛ لیکن در این دانشگاه، مسئله‌ی پاسداری از انقلاب هم مطرح است. خوب، همه‌ی ملت ایران به یک معنا خودشان را موظف میدانند به پاسداری از انقلاب - چه مسئولین رسمی، چه آحاد مردم با درجات مختلف - لیکن خصوصیت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی این است که این یک مأموریت تعریف شده برای آن است.

شما جوانان عزیز در عین نشاط و شکوفائی جوانی، دارید خودتان را آماده میکنید برای اینکه در طول زندگی خدمتی خود و بلاشک در همه‌ی دوران حیاتتان، از انقلاب اسلامی پاسداری کنید؛ همچنان که طبقه‌ی قبل از شما، اسلاف شما در سپاه پاسداران، در نوبت خود، در میدانهای بسیار دشوار، این کار را کردند. یکی از مناظر خوب امروز همین بود که نسل گذشته‌ی سپاه پاسداران که دوران دفاع مقدس را دیده است، دورانهای اول انقلاب را دیده، با تن خود، با دل خود، با جان خود در عرصه‌ی خطر حاضر شده، با جوان امروزی که دارد وارد عرصه‌ی پاسداری میشود، روبه‌روی هم قرار گرفتند، پرچم را مبادله کردند؛ این یک منظره‌ی نمادین و بسیار پرمعنا است. در دیدار نمادین امروز، ارواح طیبه‌ی شهیدانی که در عملیاتهای گوناگون در طول هشت سال دفاع مقدس، و پیش از آن، و بعد از آن تا امروز، به درجه‌ی رفیع شهادت رسیدند، در مقابل شما قرار داشتند. جانبازهایی که سلامت خود، جوانی خود، نیروی بدنی خود را در راه خدا دادند و دچار امتحان بسیار دشوار و البته بسیار خوش‌عاقبت‌جانبازی شدند، در مقابل شما قرار داشتند. مردانی که آن روز مثل شما دوره‌ی عنفوان جوانی را میگذراندند، امروز با محاسنهای سپید، با ده‌ها سال از عمر خدمتی گذشته، در مقابل شما قرار گرفتند. این یک منظره‌ی بسیار مهم و درس‌آموزی است برای شما جوانان عزیز که میخواهید از انقلابتان پاسداری کنید.

این انقلاب، تاریخ کشور را تغییر داد. سلاطین جور و طغیانگران تاریخ، قرنهای متمادی حرکت گمراهانه‌ای را بر این ملت تحمیل کرده بودند و در این چند ده سال قبل از انقلاب، علاوه‌ی بر استبداد و خودرأیی و انحصارطلبی در همه چیز، عزت این مملکت را هم در مقابل دشمنان به باد داده بودند. این انقلاب آمد، این کشور را، این ملت را از افتادن در این تندباد ویرانگر و نابودکننده نجات داد؛ ما در صراط مستقیم قرار گرفتیم. البته صراط مستقیم، ما را به هدف خواهد رساند؛ اما کی؟ در چه مدت؟ با چه تلاش و مجاهدتی؟ این بستگی دارد به این که من و شما چقدر تلاش کنیم، چقدر جدی بگیریم، چقدر درست حرکت کنیم؛ این به همت ما بسته است؛ ولی انقلاب این راه را پیش پای این ملت تاریخی بزرگ و ستم‌کشیده گذاشت. شما میخواهید از این انقلاب حفاظت کنید، پاسداری کنید.

اول اینکه باید این انقلاب را درست بشناسید. یکی از کارهای مهم شما جوانان عزیز این است که مبانی نظری انقلاب را عمیقاً بشناسید. ما کسانی را دیدیم که با احساسات وارد این میدان شدند، بدون تکیه‌گاه نظری مستحکم؛ با یک تندباد سرنگون شدند، راهشان عوض شد. آن کسانی میتوانند در این حرکت و در این مسیر محکم بایستند که شناخت عمیقی از مبانی نظری انقلاب داشته باشند. فرمود: «المؤمن كالجبل الراسخ لا تحركه العواصف»؛ هیچ تندباد و



طوفانی نمیتواند راه اینها را عوض کند، که چند خصوصیت داشته باشند؛ از جمله‌ی این خصوصیات و مهمترین آنها، اعتقاد درست و آشنائی درست با مبانی نظری این انقلاب است. این یکی از کارهائی است که لازم است شما بدانید.

بعد تجربه‌ی انقلاب را، یعنی عینیت این نظریه را در طول این سالها بدانید؛ تاریخ انقلاب را بدانید. این انقلاب مثل خیلی از حرفه‌های دیگری که در دنیا معمول است، صرف ادعا نیست؛ یک دامنه‌ی وسیعی از تجربه و عمل در مقابل آن است. این انقلاب آزموده است، تجربه‌شده است. این حرفها، حرفهائی است که در میدان عمل، صدق خود را ثابت کرده است. اگر امام عزیز ما به ما یاد میداد که به خدا توکل کنیم، اعتماد کنیم، حسن ظن داشته باشیم، تلاش کنیم، و میگفت اگر این کار را بکنید، پیروز خواهید شد، این اتفاق افتاد؛ همچنان که در صدر اسلام اتفاق افتاد؛ که امیرالمؤمنین (علیه الصلوة و السلام) در نهج البلاغه فرمود: «فلما رأى الله صدقنا انزل بعدوتنا الكبت و انزل علينا التصر». (۱) این ملت صدق خود را نشان داد، راستگوئی خود را نشان داد؛ وارد میدان شد و در میدان عمل، این فکر و این اندیشه و این مبانی نظری تجربه شد. این را باید شما در تاریخ انقلاب ببینید.

چرا رادیوهای بیگانه تلاش میکنند نقطه‌ضعفهای کوچک ما را در چشم خودمان - چه برسد در چشم دیگران - ده برابر بزرگ کنند؟ برای این است که همین تجربه را از یاد ما ببرند؛ برای اینکه فراموش کنیم که مبانی نظری ما تجربه‌شده است؛ در میدان عمل، خودش را ثابت کرده است. شما با آگاهی از تاریخ انقلاب میتوانید این را به دست بیاورید. اینکه من توصیه میکنم بخوانید این خاطرات مربوط به جنگ را، مربوط به دوران دفاع را، همین عملیات بیت المقدس و آزاد کردن خرمشهر را، ببینید کی بودند، چه بودند، چه کار کردند، چه جور کردند، برای این است؛ این لازم است. آن وقت خدای متعال «انزل بعدوتنا الكبت»، «انزل علينا التصر»؛ پیروزی را نازل کرد.

بعد هم تربیت خود به عنوان انسان صالح. همه باید خودشان را تربیت کنند. من باید خودم را تربیت کنم، شما هم باید تربیت کنید. البته کار شما آسانتر از کار کسی مثل من است. شما جوانید، آماده‌اید، نورانی هستید، دل‌هایتان پاک است؛ براحتی میتوانید خودتان را در الگوی مورد تحسین اسلام و قرآن شکل دهید. این، یکی از وظائف خود شما است؛ البته بر دوش مریبان و مدیران این دانشگاه و مجموعه‌ی سپاه و مدیران هر مجموعه‌ای هم که جوانان عزیز ما در آنجا هستند، قرار دارد؛ اینها لازم است. اگر این کارها شد - که به یقین و به توفیق الهی و باذن الله این کارها خواهد شد - آن وقت آینده‌ی همانی است که همیشه تکرار کردیم و گفتیم: آینده‌ی اطمینان‌بخش و قطعی.

این انقلاب از روز اول تا امروز هر قدمی برداشته است، قدمی بوده است که نوید قدم بعدی را به ما میداده؛ این خیلی مهم است. هرگز دچار بن‌بست نشدیم، هرگز در دلان یأس و ناامیدی قرار نگرفتیم؛ همیشه فرج در مقابل ما بود. گاهی خودمان کوتاهی کردیم، سستی کردیم، نتاختیم به پیش - این اتفاق افتاده - اما راه هرگز بسته و بن‌بست نبوده است؛ هر گام ما بشارت‌ده گام بعدی بوده؛ امروز هم همین جور است.

و من به شما بگویم عزیزان من! این گامی که ملت ایران در چند روز دیگر در پیش دارد - یعنی گام انتخابات - یکی از همان گامها است که ان‌شاءالله بشارت‌ده گامهای بعدی است. ما نمیدانیم چه کسی رئیس جمهور خواهد شد، نمیدانیم خدای متعال دلها را به کجا متوجه خواهد کرد؛ اما میدانیم که حضور مردم در پای صندوقهای رأی - که اعلام حضور قدرتمندانه‌ی این ملت در عرصه‌ی حرکت و تاخت به سوی آرمانها است - بلاشک به دنبال خود، موفقیت‌های دیگری را دارد؛ به کشور مصونیت میبخشد، عزت میبخشد، آبروی بین‌المللی میبخشد، دوستان شما را خوشحال میکند، دشمنان شما را ناکام و بدحال میکند.

دو سه هفته‌ی دیگر تا انتخابات راه داریم؛ از مدتها پیش - و حالا شدت پیدا کرده است - سعی میکنند مردم را نسبت به این انتخابات دلسرد کنند. چرا؟ برای همین است که اگر مردم دلگرم باشند، اگر مردم وارد این میدان



شوند، اگر حرکت پر شور خودشان را مثل همیشه نشان دهند - که ان شاءالله نشان هم خواهند داد - برای آنها گران تمام خواهد شد.

درباره‌ی انتخابات ما اظهار نظر میکنند؛ چه کسانی؟ آن کسانی که زندان گوانتاناموشان مایه‌ی بی‌آبرویی‌شان است؛ هواپیمای بدون سرنشینشان بر بالای روستاهای محروم پاکستان و افغانستان، لکه‌ی ننگ در دامانشان است؛ آن کسانی که جنگ افروزی در منطقه‌ی حساس ما و اشغال دو تا کشور مسلمان، جزو بی‌آبروگی‌هایشان است؛ آن کسانی که دفاع و حمایت بی‌قید و شرطشان از رژیم جنایتکار صهیونیستی، مایه‌ی خجلت و شرمندگی‌شان است - اگر بفهمند - اینها به جمهوری اسلامی آبرومند و سرافراز انتقاد میکنند! این اظهارنظرها جواب ندارد؛ اصلاً در خور اعتنای ملت ایران و مسئولان سرافراز این ملت نیست. اما برای همه‌ی آحاد ملت ایران و برای همه‌ی ما عبرت‌انگیز است که ببینید این انتخابات چقدر برای آنها حساس است. مخصوص این انتخابات هم نیست؛ سی و چند سال است که هر وقت ما یک انتخاباتی داریم، همین بساط هست؛ همیشه جنجال میکنند، همیشه سعی میکنند، همیشه هم تودهنی میخورند. از کی؟ از این ملت بزرگ. به توفیق الهی، این دفعه هم تودهنی خواهند خورد. خب، ما باید خودمان کارهای خودمان را منظم و مرتب کنیم. مردم نگاه کنند به اظهارات داوطلبان محترمی که در این میدان وارد شدند، ما هم نگاه میکنیم؛ تشخیص بدهیم، ترجیح بدهیم، ببینیم آن کسی که میتواند برای انقلاب، برای کشور، برای آینده، برای عزت ملی، برای باز کردن گره مشکلات، برای ایستادگی قدرتمندانه و عزتمندانه در مقابل جبهه‌ی معاندان، و برای الگو کردن جمهوری اسلامی در چشم مستضعفان عالم، بیشتر و بهتر تلاش کند، کیست؟ ممکن است تشخیص یک آقایی با تشخیص یک آقای دیگر مخالف باشد؛ هیچ اشکالی ندارد. این را من به همه بگویم: ممکن است شما به یکی از نامزدها علاقه‌مند شوید، رفیقان به یک نامزد دیگر؛ این موجب نشود که شما در مقابل هم قرار بگیرید. برای انتخابات و برای گزینش عالی‌ترین مقام اجرائی در کشور - که بسیار هم حساس است، بسیار هم مهم است - سازوکارهای درستی وجود دارد؛ سازوکار قانون. هیچ مانعی ندارد که شما به یکی علاقه‌مند باشید، بنده به یکی دیگر علاقه‌مند باشم؛ شما به او رأی دهید، من به دیگری رأی دهم؛ بالاخره اکثریتی هست، اقلیتی هست، ضابطه‌ای هست، قانونی هست؛ بر طبق آن عمل خواهد شد. آحاد مردم با هم کدورت بیجا درست نکنند، به خاطر اینکه این به آن علاقه‌مند است، این به آن علاقه‌مند است؛ خب، باشند. خود داوطلبان محترم هم باید رعایت کنند. کار را با حماسه، با شور، با غیرتمندی، اما بدون چالش، بدون منافرت پیش ببرند. ظرافت کار اینجا است که ممکن است سکون و سکوت و جمود و خمودگی وجود نداشته باشد، نشاط باشد، تحرک باشد، در میدان و در عرصه گفتگو باشد - گفتگوهای گرم و داغ - در عین حال نفرت‌پراکنی نباشد؛ این میشود. این یک نکته‌ی است که آقایان داوطلبان محترم خوب است که رعایت کنند.

نکته‌ی دیگر این است که رفتار داوطلبان در ریخت و پاش و خرج و تبلیغات زیاد از اندازه‌ی لازم میتواند ماها و آحاد مردم را نسبت به آنچه که بعداً پیش خواهد آمد، آگاه و هشیار و بیدار کند. آن کسی که یا از بیت‌المال هزینه میکند، یا از پول مشتبه به حرام بعضی‌ها استفاده میکند، نمیتواند اطمینان مردم را جلب کند؛ به این چیزها خیلی باید توجه کرد.

در تبلیغات انتخاباتی، در شعارهای انتخاباتی، آنچه که اهمیت دارد، این است که مواضع عزت‌آفرین و صحیح و عاقلانه و حکیمانه‌ی انقلاب و نظام تثبیت شود. مبادا در شعارهایمان، ما به زید و عمرو در خارج از این مرزها یا آدمهائی در داخل مرزها، چراغ سبز نشان دهیم. خب، دشمن کار خودش را دارد میکند؛ علیه کسی، علیه کسانی، و بیشتر از همه علیه خود انقلاب و نظام و انتخابات لجن‌پراکنی میکند. البته حنجره‌های بی‌تقوائی هم در داخل وجود دارد. در داخل، متأسفانه زبانهای بی‌تقوا، قلم‌های بی‌تقوا و حنجره‌های بی‌تقوائی هستند که همان حرفهای دشمن را که به قصد نومید کردن و افسرده کردن مردم گفته میشود، تکرار میکنند؛ آحاد مردم به اینها نباید اعتنائی کنند.



فردای این ملت، فردای روشنی است. فردای این انقلاب، فردای عزتمدارانه‌ای است. فردای این کشور و این ملت، فردائی است که ان شاء الله به توفیق الهی برای همه الگو خواهد شد.

از خدا می‌خواهیم که شما جوانان عزیزی که در این میدان هستید، و همه‌ی جوانان پاسدار ما، و همه‌ی جوانان بسیجی ما، و همه‌ی جوانانی که در نیروهای مسلح ما حضور و فعالیت دارند، و همه‌ی جوانانی که در محیط‌های آموزشی مشغول تحصیل هستند، ان شاء الله و به توفیق الهی، پیشگامان و موتورهای حرکت به این سمت نورانی باشند. امیدواریم ارواح طیبه‌ی شهدا و روح مطهر امام بزرگوار از همه‌ی شما و ما راضی باشد و همه مشمول دعای ولی عصر (ارواحنا فداه) باشیم.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته

(۱) نهج البلاغه، خطبه‌ی ۵۶